

بررسی تطبیقی مصادیق

جامعه جاهلی مقارن دوره پیامبر اکرم ﷺ و جامعه مدرن*

- سمانه سادات سدیدپور^۱
- بهناز زندیه^۲

چکیده

هر سرشتی که در آن ایمان واقعی به خداوند نباشد، جاهلیت است. این مطالعه با روش توصیفی و تطبیقی بررسی مصادیق مشترک جاهلیت مقارن دوران نبی اکرم ﷺ و جاهلیت مدرن است. بدین منظور، ابتدا جاهلیت مقارن دوره پیامبر اکرم ﷺ با بهره‌مندی از منابع معتبر در چهار قالب نفی هم‌زمان توحید، معاد و قیامت؛ نفی معاد و قیامت؛ نفی نبوت و نفی صفات الهی معرفی شده و سپس با جامعه مدرن (ماتریالیسم، کاپیتالیسم؛ سکولاریسم؛ لیبرالیسم و فمینیسم) تطبیق داده شد. شناخت مصادیق مشترک جاهلیت با جاهلیت مدرن آن برای پیشگیری از ابتلا دوباره جوامع اسلامی به پیامدهای زندگی جاهلانه اهمیت دارد. فرض مطالعه این بود که جامعه مدرن آنجا که از ایمان به خداوند دور می‌شود در حقیقت به سرشت جاهلیت برگشته است. دستاورد اسلام با سنن غلط به مبارزه برخاست اما بار دیگر باورهای جاهلی در پوشش مدرنیته ظاهر شده است. مطالعه

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۱۶ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۰.

۱. دانشجوی دکتری بررسی مسایل اجتماعی ایران، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

sama.sadid@gmail.com

۲. مدرس حوزه علمیه، سطح ۳ رشته فقه و اصول، جامعه الزهرا، قم، ایران

behnazzandiyeh@gmail.com

نشان داد هر نوع نفی دین اعم از نفی توحید، قیامت، نبوت یا نفی صفات خداوند جاهلیت است تفاوت این دو سرشت جاهلی نه در انحراف از خط ایمان واقعی که در افراط یا تفریطی است که صورت می گیرد انحراف یک بار به صورت افراط و بار دیگر به صورت تفریط ظاهر می شود.

واژگان کلیدی: پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، جاهلیت، مدرن، جوامع اسلامی، جاهلیت مدرن.

مقدمه

هنگامی که از جاهلیت سخن به میان می آید به نظر می رسد جاهلیت مربوط به گذشته بوده و امروز در دوران عقلانیت بشر، سخن گفتن از آن کاربرد ندارد. اما جاهلیت ها با وجود فاصله زمانی نسبت به هم ماهیت مشترکی دارند؛ عمده ویژگی مشترک جاهلیت ها این است که مردم جاهل، به خداوند ایمان واقعی ندارند (خالدی، ۱۳۹۰: ۱؛ بلاشر، ۱۳۶۳: ۴۵). پس جاهلیت دوره ای خاص در بین اعراب نیست، بلکه یک سرشت است (اسدی، ۱۳۸۹: ۳۱)، سرشتی که مجموعه ای از تمام ویژگی های حیوانی انسان است. از دید قرآن، جاهلیت در برابر دین است نه علم و به زمان پیش از اسلام گفته می شود (اسدی، ۱۳۸۹: ۱۰).

جاهلیت در منابع تاریخی، حالت مردم پیش از اسلام است. عرب به لحاظ دیانت، تمدن، فضایل و اخلاق در انحطاط به سر می برد، نه دین حنیف ستاینده ای داشت و نه از پیوند میهنی برخوردار بودند؛ جاهلیت به هیچ اصلی از اصولی که فضایل آدمی بر آن استوار است پایند نبود (ابن شعبه، ۱۳۷۶: ۳۹)، اما مدرنیته تجربه ای است که بیانگر تازگی و نو بودن و گسست از گذشته و ورود به آینده ای در حال ظهور است. به تدریج سوبه هایی از سرشت جاهلی، در تمدن نوین نشان داده شده، به نظر پژوهشگران نظریاتی که در عصر حاضر به عنوان قضایای پیشرفته مطرح می شود اگر در مقابل معارف دینی باشند، جاهلیت مدرن هستند (حسینی، ۱۳۹۴: ۱۸). عمده ترین ویژگی مشترک جاهلیت ها این است که ایمان واقعی به خداوند در این تفکر وجود ندارد. جاهل در کلام قرآن تنها نادان نیست بلکه به فرد متکبر نیز جاهل گفته می شود. قرآن کریم، زمان قبل از اسلام را جاهلیت اولی می نامد. زمانی که بشر از منبع وحی دور

بوده و با جهل خود، راه پیموده است (ابن منظور، ۱۴۱۶: ۴۰۲/۲). بنا بر روایات در پس جاهلیت اولی، جاهلیت دیگری در راه است. شناخت جاهلیت و معرفی مصادیق مشترک آن با جاهلیت مدرن برای پیشگیری از دچار شدن دوباره جوامع اسلامی به جاهلیت اهمیت دارد تا نشان دهد خطر زندگی در جامعه جاهلی در هر دوره‌ای می‌تواند جوامع اسلامی را تهدید کند چراکه حتی اندکی پس از ظهور اسلام نیز بیم از بازگشت به دوران جاهلی حتی برای مسلمانان صدر اسلام وجود داشت (ابومنذر، ۱۳۴۸: ۸۶). چنانچه در نهج البلاغه اشاره شده پس از رحلت نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بیشتر مردم به جاهلیت برگشتند مانند دوران بنی امیه و حتی دوران پس از آن مانند جوامع اسلامی اسپانیا به تدریج از هم فرو پاشیدند، لذا مطالعه حاضر با این هدف نگاشته شد که دو جامعه جاهلی و جامعه مدرن را در دو زمان متفاوت تطبیق دهد و شناخت آنها در آگاه‌سازی جوامع اسلامی تأثیر بسزایی دارد. با توجه به اهمیت موضوع پرسش این مقاله این است که مصادیق جامعه جاهلی مقارن دوره پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چه اشتراکاتی با جامعه جاهلیت مدرن دارد؟

۱. تعریف جاهلیت

جاهلیت در لغت، مصدر جعلی یا اسم مصدر به معنای حالت نادانی است (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل واژه جهل، ۷۴۶۰). جهل در لغت نقیض علم (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۳۲۷)، و به معنای «مطلق عدم علم» است که در فارسی از آن به «نادانی» تعبیر می‌شود. از این رو اهل لغت، «جاهل» را به «نادان» ترجمه کرده‌اند و از آن جهت که انسان جاهل، رفتار از روی حساب و دانش نیست، گاه مبتلا به کارهای بیهوده و گاه مرتکب ظلم و فساد می‌شود. برخی جاهل را به «احمق و ستمکار» نیز ترجمه کرده‌اند (بندررگی، ۱۳۸۳، ماده «جهل»). خلیل بن احمد فراهیدی، «جهالت» را عمل کردن بدون علم می‌داند (فراهیدی، ۱۴۱۴: ماده «جهل»، ۳۲۷). در مجمع البحرین آمده است «مراد از جاهلیت، حالتی است که عرب پیش از اسلام در آن به سر می‌برد یعنی حالتی نادانی نسبت به خدا و پیامبر، شرایع دین و فخر فروشی به پدران و نسب‌ها، غرور و خودپسندی و مانند آنها» (طریحی، ۱۴۰۳: ۳۶۴؛ قرشی، ۱۳۵۴: ۸۳). در چهار آیه از قرآن نیز جاهلیت به

همین معنا به کار رفته است. برخی از لغویین معاصر عبارت «جهل فلان علی غیره» را به «جفا کردن یکی در حق دیگری» و عبارت «جهلت الحق» را به «ضایع کردن حق» ترجمه کرده‌اند (معلوف، ۱۳۷۳: ۱۴۳)، «جهل» گاه به معنای «عدم آگاهی» است و گاه به معنای «فقدان معرفت هدایتگر به سوی کمال حقیقی است» که در مقابل «حکمت»، قرار می‌گیرد (سلیمانی، ۱۳۸۲: ۱۱).

جاهلیت یعنی نادانی، بی‌اطلاعی، حالت بت‌پرستی مردمان پیش از اسلام (معلوف، ۱۳۸۶: ۱۰۸/۱) اما در اصطلاح جاهلیت اصطلاحی است که برای نخستین بار در عصر نبوت، به دنبال هجرت به مدینه و شکل‌گیری جامعه‌ی ایمانی مدنی، در توصیف عرب مشرک قبل از اسلام، به آن دوران داده شد (قطب، ۱۳۵۹: ۷).

۲. تعریف مدرن

مدرن از ریشه‌ی Modernus از واژه‌ی لاتین Modo، به معنای اخیر و این‌زمانی اخذ کرده‌اند. به معنای امروزی today-of و متمایز از دوره‌های متقدم است (کاهون، ۱۳۸۳: ۹). همچنین از واژه‌ی modo به معنای این اواخر، به‌تازگی، گذشته‌ای بسیار نزدیک مشتق شده است (احمدی، ۱۳۷۷: ۳). در منابع دیگر آورده شده به لحاظ ریشه‌شناسی واژه‌ی مدرنیته با واژه‌ی مد «mode» و طبعاً با واژه‌ی سلیقه fashen مرتبط است. کلمه‌ی مدرن در معنا دال بر تمام آن چیزهایی است که برای زندگی کردن در حال، مهم، ضروری و اجتناب‌ناپذیر به شمار می‌روند (نوذری، ۱۳۷۲: ۷). اصطلاح مدرن فرازمانی و فرامکانی که برای تمیز شیوه‌های معاصر از سنتی به کار رفته است (کاهون، ۱۳۸۳: ۱۰)، و می‌تواند به هر حیطه‌ای از زندگی مسلط شود (باومن، ۱۳۸۳: ۳۲۱). از دید هگل مدرن بودن روزگار پیروزی خرد انسانی بر باورهای سنتی است (کسرایبی، ۱۳۷۹: ۴۶ - ۴۷).

۳. ادبیات پژوهش

بر اساس مستندات، برای بحث و تحقیق درباره‌ی کیفیت عصر جاهلیت، قدیم‌ترین مأخذ و مرجع معتبر، قرآن کریم است. از نظر ابن خلدون در بحث از جاهلیت ابتدا باید کتاب اغانی را مورد مطالعه قرار داد که به منزله‌ی مجموعه آثار و دیوان عرب است و

در آن لغت و تاریخ و جنگ‌ها و مذهب و قومیت و سیره پیامبر ﷺ و دیگر احوال و کیفیات عرب گرد آمده است و از این رو، هیچ کتابی برای شناختن احوال عرب از آن جامع‌تر نیست. کتاب الأَصْنَام یا به تعبیر صحیح‌تر کتاب تنکیس الأَصْنَام قدیم‌ترین نوشتار و کتاب مستقلی است که در زمینه جاهلیت به دست ما رسیده است.

برای شناخت مدرنیسم نیز منابع متعددی وجود دارد که به شرح تحولات عصر مدرنیته پرداخته‌اند. در جهان و ایران از زوایای مختلف به این پدیده پرداخته شده است که از جمله آثار می‌توان به چالش سنت و مدرنیته در ایران، ایران و مدرنیته، تجدد طلبی و توسعه در ایران معاصر، مدرنیته و بحران ما، تأملی در مدرنیته ایرانی، صورت‌بندی مدرنیته، بسترهای تکوین تاریخی و زمینه‌های تکامل اجتماعی، مدرنیته و اندیشه انتقادی و مانند آنها منابع متعدد دیگر اشاره کرد.

در ارتباط با مطالعه هم‌زمان زندگی جاهلیت و زندگی مدرن، نیز می‌توان به موارد زیر به‌عنوان پیشینه پژوهش اشاره نمود:

کتاب ما و راه تجدد، فرهنگ و تمدن غرب از دیدگاه امام خمینی^{ره}؛ نسبت دین و دنیا آیت‌الله جوادی آملی، امام حسین^{علیه السلام} و جاهلیت نو، مقاله مدنیت در نهج البلاغه و پژوهش از جاهلیت عربی تا جاهلیت غربی، که به راهکارهای اخلاقی مقابله با مؤلفه‌های جاهلیت در جوامع مدرن می‌پردازد. در مجموع مطالعات پیشین به‌ویژه نمونه‌های مذهبی، نسبت به تمدن غرب صرف، دیدگاه منفی داشته و مسیر آن را رو به توهم می‌دانند و معتقد هستند تمدن‌های انسان‌گرا برخلاف تمدن الهی که می‌خواهد انسان‌ساز باشد، عمل می‌کنند.

۴. بررسی تطبیقی جامعه جاهلی مقارن دوره پیامبر اکرم ﷺ و جامعه مدرن

از دید گیدنز زندگی انسان‌ها در جامعه، تحت تأثیر قواعدی است که اگر از آنها پیروی نشود هرج و مرج ایجاد می‌شود (گیدنز، ۱۳۳۱: ۱۴۱). جامعه واقعیت خاصی است و دارای روح ویژه‌ای است که افراد را به هم پیوند می‌دهد (ابراکامبی، ۱۳۸۸: ۲۴۰). جامعه‌شناسی به اکثریت ارجح می‌نهند و در برخی برای گرایش توده مردم احترام قائل است به‌همین دلیل معمول است که هر کنشی در بطن شرایط مدرن، تایید می‌شود اما

قرآن معتقد است قداست جامعه در گرو پیروی جامعه از عقل و شرع است لذا آن دست از اندیشه‌ها که پیرو عقل و شرع نباشد جهل تلقی می‌شود. همان‌طور که پیستم اشاره می‌کند جوامع امروز دچار نظام تکنوپولی است که از ترکیب تکنولوژی و مونوپولی ساخته شده است منظور او از این عبارت داشتن تکنولوژی بدون اخلاق است فرهنگی که تکنولوژی را به جای خدا قرار می‌دهد و به تدریج از اواخر قرن هیجدهم همراه با فروپاشی خانواده، پناهگاه اصلی انسان تکنولوژی شد (پیستم، ۱۳۷۵: ۱۲۱).

پیش از سقراط، تفکر عقلانی همراه با تجربه حسی، شیوه اندیشه ورزی بود نه شرع مقدس. در چهارچوب خردباوری مدرنیته، عقل همواره در تقابل با مرجعیت سنت قرار می‌گیرد. از دید مدرنیته خرد انسانی، ضابطه نهایی و عامل پیشرفت و مقولات اساسی تجدد است (کسرای، ۱۳۷۹: ۹۲)، چنانچه در دوران جاهلیت جهل و خرافه به جای خدای تعالی عقل اعراب را پرکرده بود (طباطبایی، ۲۰۰۲م، ۱۵۱/۴)، خرافاتی مانند حبس البلایا و عقر (دفن شتر فرد ثروتمند با او برای گمراه کردن ملائکه)، ضرب الثور (زدن گاو نر برای دور کردن دیوها از گاو ماده)، نارالتحالف یا نارالمهول (آتش شاهد سوگند عهد و پیمان قبایل) نارالطرد (آتش دور کردن شخص گناهکار و خائن)، عقد الترم (گره زدن سبزه برای ممانعت همسر از خیانت)، اعتقاد به تطیر برای تفأل زدن (پرواز دادن پرندگان) (آربلاستر، ۱۳۷۷: ۸۲)، خرافه‌های جاهلی در میان آنان به گونه‌ای بود که قرآن از آن به غل و زنجیر بر اعضایشان تعبیر می‌کند (اعراف: ۱۵۷)، این تفکر در اسلام، تأیید نمی‌شود (سلیم، ۱۳۷۷: ۱۷۷، ابن شعبه، ۱۳۶۳: ۵۵)، لذا با توجه به شرایط جوامع جاهلی امکان تفسیر بسیاری از پدیده‌های اجتماعی و اقتصادی و حتی هنری در عصر اسلامی، جز با بازگشت و مطالعه ریشه‌های قدیمی آن در عصر جاهلی وجود ندارد (سالم، ۱۹۷۰: ۵/۱).

قرآن کریم در آیه ۱۰۳ آل عمران وضعیت جامعه جاهلی مقارن دوران بعثت پیامبر اسلام ﷺ را این‌طور توضیح می‌دهد که «همگی به ریسمان الهی چنگ زیند و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آنگاه که دشمنان یکدیگر بودید پس میان دل‌های شما الفت انداخت تا به لطف او برادران یکدیگر شدید».

پیامبر اکرم ﷺ در اوایل بعثت با محیط و مردمی روبرو شد که جهل و باطل

دامن گیر آنها شده بود، از پیشوای دلسوز و رهبر دانای خود روگردان شده و به عبادت بت‌ها و عادات زشت جاهلیت سرگرم بودند، پیامبر اسلام ﷺ مبعوث شدند تا قوانین عادلانه اجتماعی را در میان بت‌پرستان به اجرا درآورند و بیت‌المال را به حق و عدالت تقسیم نماید، ولی پس از وفات ایشان، مسلمین عادات و اخلاق حسنه اسلامی را به تدریج کنار گذاشتند (کلینی، ۱۳۶۹: ۱۹۵/۲).

حتی پس از بعثت پیامبر اکرم ﷺ، عده‌ای به ظاهر اسلام آورده بودند و در باطن بت می‌پرستیدند و برخی به‌طور مخفیانه هنوز بت‌هایی در خانه نگاه‌داشته بودند که اگر اسلام شکست خورد به پرستش بت‌ها بازگردند (سلیم، ۱۳۷۷: ۱۵۷). و حتی افرادی نفوذی نیز در جوامع اسلامی لباس مسلمان را پوشیده بودند (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۶۱/۲ و ۱۳۹-۱۴۰)، و مترصد فرصتی بودند اسلام را تخریب کنند.

در خطبه دوم نهج‌البلاغه حضرت امیر مؤمنان ﷺ این‌گونه عصر جاهلیت را توصیف می‌کنند که خداوند پیامبر اکرم ﷺ را زمانی مبعوث کرد که مردم در حیرت و گمراهی سرگردان بودند و در فتنه‌ها غوطه‌ور، هوا و هوس‌های سرکش، آنها را به خود جلب کرده و تکبر و خود برترینی آنها را به پرتگاه افکنده بود. جاهلیت شدید، آنها را سبک مغز ساخته و در ناپایداری امور و بلای جهل حیران و سرگردان بودند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۲۸۰/۴-۲۷۵). در خطبه هشتاد و نهم، جاهلیت را زمانی می‌دانند که نشانه‌های هدایت کهنه و علائم گمراهی نمایان بود (دستی، ۱۳۸۵: ۷۷)، در خطبه بیست و ششم، خطاب به اعراب، گذشته ایشان را قبل از بعثت یادآور می‌شوند که شما جمعیت عرب، بدترین دین و آئین را داشتید. شما در بدترین خانه و سرزمین زندگی می‌کردید. آب‌های آلوده می‌نوشیدید و غذاهای بسیار ناگوار می‌خوردید. شما پیوند خویشاوندی خود را پیوسته قطع می‌کردید، بت‌ها، در میان شما، برپا بود و گناهان، سراسر وجودتان را فراگرفته بود «الْأَصْنَامُ فِیْكُمْ مِّنْ صُوبَةٍ وَ الْأَثَامُ بِكُمْ مِّنْ صُوبَةٍ»، تعبیر منصوبه گویا، اشاره به این نکته است که آنها، نه تنها از بت‌پرستی شرم نداشتند، بلکه به آن افتخار می‌کردند و در گوشه و کنار جامعه خود، بت‌ها را برپا داشته بودند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۱۴/۲-۱۰۳).

تمدن مدرن غربی نیز غیر از دگرگونی با صفات دیگری نظیر سرمایه‌داری،

سکولاریسم دموکراسی لیبرال، فردگرایی، عقل‌گرایی، انسان‌گرایی مشخص می‌شود، اما اینکه این صفات در تاریخ بشری منحصر به فرد هستند یا نه محل مناقشه است. (کهون، ۱۳۸۱: ۲۱)، در بیان مؤلفه‌های مدرنیته می‌توان به مؤلفه‌های زیر به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌ها اشاره کرد.

۱. عقل‌گرایی؛ ۲. تجربه‌گرایی؛ ۳. اومانیزم؛ ۴. فردگرایی؛ ۵. مادی‌گرایی؛ ۶. آزادی و لیبرالیسم؛ ۷. سکولاریسم؛ ۸. دموکراسی؛ ۹. رفرمیسم مذهبی، که این فهرست استقرایی و باز است، لذا می‌توان تقسیمات محدودتر یا وسیع‌تری را لحاظ کرد (احمدی، ۱۳۷۳: ۱۱).

در این بخش بر اساس آنچه در کتاب‌های تاریخی دیده می‌شود جاهلیت به مصادیق آن تقسیم شده و بر این مبنا با انواع مدرنیته تطبیق داده می‌شود، شاید به نظر برسد این سه نوع از جاهلیت را می‌توان در هم آمیخت اما مهم در این تقسیم‌بندی باور داشتن به وجود خدا - معاد - نبوت و صفات خدا است که نبود هر یک از این موارد در منابع نوعی از جاهلیت دانسته شده است (ابومنذر، ۱۳۶۴: ۴-۸)، جاهلیتی که در مقابل موحدان قرار می‌گیرد اگر چه در بین موحدان نیز گاه تفکراتی از جاهلیت دیده می‌شود.

۴-۱- جاهلیت بر مبنای نفی هم‌زمان توحید، قیامت و معاد

این گروه کسانی بودند که منکر آفریننده و رستخیز و بازگشت بودند، و می‌گفتند «طبع» زنده کننده، و «دهر» فانی کننده است. و خدای تعالی در قرآن کریم، از این طایفه خبر می‌دهد، آنجا که فرمود: ﴿وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ﴾ (جاثیه/ ۲۴)، این آیه اشارت دارد بر اینکه آن گروه از عرب جاهلی سبب حیات و موت را بر طبایع محسوسه مقصور می‌داشتند، و به ترکیب طبایع و تحلیل عناصر بقا و فنای عنصری مقصور می‌شمردند پس جامع را «طبع»، و مهلک را «دهر» می‌گفتند. خدای تعالی در رد گفتار و پندار آنان را فرمود آنها گمان می‌کنند این گونه است. از این گذشته در آیات دیگر در سور قرآنی با دلایل و نشانه‌های فطری و طبیعی، گمان و پندار این گروه رد شده است (بقره/ ۲۱، اعراف/ ۱۸۴، نحل/ ۴۸، فصلت/ ۹).

این یکی از انواع دیدگاه ماتریالیسم است که انسان را تنها دارای یک بُعد جسمانی می‌داند. بر اساس این دیدگاه، هر چیز که در هستی وجود دارد یا مادی است یا یکی از عوارض ماده است. اصل تقدم ماده بر روح و جسم بر روان از اصول اساسی ماتریالیسم است (مطهری، ۱۳۷۷: ۲/۳۸۶). از دیدگاه ماده‌گرایان انسان جزئی از جهان مادی است که ذاتاً، اجتماعی و نیازمند جامعه است. ماتریالیسم از مهم‌ترین مؤلفه‌های اندیشه مارکسیسم است اندیشه‌ای که از درون کاپیتالیسم برآمد. هر دو اندیشه در ماده‌گرایی اشتراک دارند. امتیازات طبقاتی در جوامع جاهلی امری ریشه‌دار است که اسلام با آن به شدت مخالف بوده و آن را محکوم می‌کند و از راه‌های مختلف در پی ریشه‌کن نمودن فقر در جوامع است. عرب دوران جاهلیت اختلافات طبقاتی شدید آمیخته به تعصب جاهلانه داشتند و هر طبقه برای خود امتیازاتی قائل بود که دیگری را شایسته این امتیاز نمی‌دانست. از جمله این امتیازات، امتیاز ثروت بود که سرمایه‌داران عربستان همه کاره و اختیاردار مطلق مردم بودند و کلیه مستمندان و فقیران مطیع آنها بودند. برده داری و داشتن کنیز بسیار رایج بود و بردگان را وادار به سخت‌ترین کارها می‌کردند (حسین اصفهانی، ۱۳۷۷: ۲). اما اسلام ملاک برتری را تقوا اعلام کرد و انسان باتقواتر را محترم‌تر دانست (حجرات/۴۳).

از دیدگاه بسیاری از متفکران اصل اساسی این نظام، اقتصادی مسلط، یعنی رقابت شدید جهانی برای کسب سود منطقی را پدید آورده که مبتنی بر حرص و آز، نابرابری و بی‌عدالتی و فساد است (آقابخشی، ۱۳۸۷: ۸۱؛ آذری کارمزدی، ۱۳۹۳). در قرآن کریم خداوند سرمایه‌داران را نکوهش می‌کند که آیا شما یهودیان با داشتن کتاب آسمانی هنوز روش و شیوه بیدادگرانه جاهلیت را می‌جوئید؟ ﴿أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْتَغُونَ﴾ (مائده/۵۰). به این تفسیر که دنیا را مأوای خود قرار می‌دهید و بر اساس خواست خود حکم می‌کنید و مشخصه جامعه مدرن به‌ویژه با آغاز انقلاب صنعتی، تلاش‌های نظام‌مندی بود که برای مهار و دگرگون ساختن محیط مادی انسان صورت گرفت. در این مکاتب هر آنچه قدسی است، دنیایی می‌شود (کالینیکوس، ۱۳۸۳: ۳۱ - ۳۹).

۴-۲- جاهلیت در نفی هم‌زمان قیامت و معاد

گروه دیگر از عرب، به خالق و ابتدای خلق و ابداع اقرار داشتند، اما بعث و اعاده را انکار می‌کردند ﴿وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ﴾ (یس/ ۷۸). این گروه تمام دنیا را دنیای مادی می‌دانند. منکرین خدای تعالی که قائل به جاننداری طبیعت یا دهر به‌عنوان نقش‌آفرین زندگی خود بودند در همین رابطه می‌توان از سکولاریسم از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مؤلفه‌های نظام تجدد، از آغاز تاکنون نام برد. در سکولاریسم، همهٔ امور بشری وجهی زمینی پیدا می‌کند و قداست و معنویت خود را از دست می‌دهد (زرشناس، ۱۳۸۱: ۱۶۳). سکولار کسی است که به امور لاهوتی و دینی اعتنایی ندارد یعنی اینکه به‌جای ایمان به خالق عالم به عالم توجه دارد که در علم دینی به آن علمانی گویند (ربانی گلپایگانی، ۱۳۷۹: ۱۵). از دید این مکتب باوجود قوانین عالی مانند عدالت اجتماعی نیاز به ارتباط دین و سیاست نیست (ظاهر و الماسی، ۱۹۹۳: ۳۸). و اخلاق‌مند بودن نیاز به دیندار بودن ندارد (بیات و همکاران، ۱۳۸۱: ۳۲۸).

نتیجهٔ سکولاریسم، کاهش اعتقاد به معاد است. جامعه‌ای که برای اصالت زندگی دنیا ارزش قائل شد جامعهٔ جاهلی است. جواد علی دربارهٔ اعتقاد به معاد در جاهلیت می‌گوید: همان‌گونه که از قرآن فهمیده می‌شود، بسیاری از مردم عصر جاهلی به بعث ایمان نداشتند، آنها معتقد بودند مرگ انتهای کار است و آنان برانگیخته نخواهند شد و معتقد بودند برانگیخته شدن پس از مرگ امری غیر معقول است و بدین روی از سخنان پیامبر ﷺ دربارهٔ قیامت و حساب متعجب می‌شدند (علی، ۱۳۶۷: ۱۳۲/۶ - ۱۳۱). نمونه‌هایی تاریخی نیز وجود دارد که نشان می‌دهد در این دوره تنها عدهٔ معدودی معتقد به معاد بودند که به‌صورت ابتدایی و تحریف‌شده به معاد باور داشتند. به‌طور مثال اعتقاد داشتند هر کس ناقه‌ای را روی قبر مرده‌ای ذبح کند، سواره محشور خواهد شد وگرنه پیاده محشور می‌شود، به همین دلیل گاهی به این موضوع وصیت می‌کردند (ابن عبری، ۱۴۰۳: ۱۲۶)، و می‌گفتند زندگی جز زندگی دنیا نیست (جائیه/ ۲۴)، و خداوند در پاسخ به ایشان مستقیم و بدون اشاره می‌فرماید زندگی این دنیا لهُو و لعبی بیش نیست و آخرت زنده است (عنکبوت: ۶۴)

۴-۳- جاهلیت هم‌زمان نفی نبوت و شریک قرار دادن برای خدا با

پرستش بت‌ها

دیگر گروه عرب، به آفریننده آفرینش و به ابتدای خلق و نوعی از اعاده اقرار داشتند، اما پیامبران را انکار می‌کردند و به پرستش اصنام می‌پرداختند و می‌پنداشتند که بت‌ها شفیع ایشان در آخرت خواهند بود و از این رو به‌جانب جایگاه‌های بتان می‌رفتند و حج می‌گزاردند و به نام بتان خود قربان می‌کردند و هر چه می‌خواستند از پیش خود حلال و حرام می‌نمودند؛ و می‌پنداشتند بت‌ها ایشان را بیشتر به خدا نزدیک می‌کنند ﴿مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى﴾ (زمر/۳).^۱ در جاهلیت مدرن تحول ارزش‌ها از مادی به فرا مادی، از خودخواهی به دیگر خواهی، از دنیا‌گرایی به دنیا داری، نقش بسیار مهمی در پیشرفت اهداف تربیتی قرآن کریم در راستای تغییر رفتارهای مردم جزیره العرب داشته است. ایزوتسو اشاره دارد اعراب پیش از اسلام، میان درست و نادرست و خوب و بد تفاوتی نمی‌گذاشتند، و معیار و ملاکی برای قضاوت و داوری درست از نادرست و خوب از بد نداشتند شعار معروف عرب این بود که برادرت را یاری کن، خواه ستم‌دیده باشد، خواه ستمگر تنها استدلال ایشان این بود که نیاکان آنها آن کار را انجام داده‌اند (ایزوتسو، ۱۳۷۸: ۸۷ - ۸۸). از دید جرجی زیدان اسلام در حقیقت محتوای صفاتی مانند شجاعت، آزادی، وفا، صداقت و... را تغییر داد (جرجی زیدان، ۱۳۲۳: ۵۱۴ - ۵۱۵)، اما پس از مدتی تغییراتی که اسلام ایجاد کرده بود فراموش شد. اصطلاح لیبرالیسم در قرون هفدهم و هیجدهم، با شعار «آزادی» متولد شد. در ابتدا تأکید بر آزادی فردی با کمترین حد (آزادی انتخاب در تمام عرصه‌ها) بود. لیبرالیسم به معنای طرفداری از حاکمیت آزادی است. در آغاز جنبشی سیاسی بود که خواهان آزادی از استبداد سیاسی، حکومت سلطنتی و فئودالی حاکم بر عصر خود بود. ولی بعدها به شکل نظریه و روش سیاسی درآمد و خواهان حفظ مراتبی از آزادی در برابر هر نهادی شد که تهدیدکننده آزادی بشر باشد (زرقانی، ۱۴۰۹ حق: ۱۷۲).

لیبرالیسم یکی از شایع‌ترین و قدیمی‌ترین آموزه‌های فلسفی - سیاسی عصر حاضر است. در قاموس سیاسی، لیبرالیسم فلسفه‌ای است مبنی بر اعتقاد به اصل

۱. نمی‌پرستیم ایشان را (یعنی: بتان را) مگر آنکه ما را هر چه بیشتر به خدای نزدیک گردانند

آزادی که در رنسانس و همچنین اصلاح دینی نهفته است (قادری، ۱۳۸۰: ۱۷)؛ اما لیبرالیسم به مفهوم امروزی، فرزند انسان‌گرایی و فردگرایی عصر جدید است و ریشه در رنسانس و جنبش اصلاح دینی بر ضد استبداد کلیسا دارد (قنبری، ۱۳۸۳: ۹۱ - ۹۶). لیبرالیسم برای آزادی اهمیت قائل است (آربلاستر، ۱۳۷۷: ۸۱). در روح القوانین مونتسکیو اشاره شده است که آزادی فقط می‌تواند به خاطر خود آزادی محدود شود (مونتسکیو، ۱۳۶۲: ۱۱۰). از آنجا که سردمداران کلیسا شأن انسان را رعایت نمی‌کردند، در اثر مخالفت با باور استبدادی کلیسا، حقایق نسبی قلمداد شد و آزادی بی‌قید و شرط، نشانه مدرن بودن تلقی گردید. این گروه آزادی را به‌عنوان بت برای خود می‌پرستند. قرآن چنین تفکری را جاهلانه می‌داند و برای انسان در نظر گرفتن کرامت انسانی در نظر می‌گیرد و او را در مسیر رسیدن به حقایق مطلق اخلاقی قرار می‌دهد. قرآن برای انسان این قابلیت را متصور است که حتی بتواند در ملکوت به چنان تعالی دست یابد که کمترین فاصله را با باری تعالی داشته باشد (نجم/ ۹).

خدای تعالی اشاره دارند سرپرست این گروه طاغوت است که به پیروی از والیانی که برمی‌گزینند از دایره روشنایی الهی به سمت تاریکی سوق داده می‌شوند (بقره/ ۲۵۷). از نظر قرآن، بندگان مخلص خدا حتی از دست رفتن آزادی خویش را گواراتر از آلوده شدن به فعالیت‌های غیر انسانی و غیراخلاقی می‌دانند (نمل/ ۵۵). انسان‌های کامل مانند انبیاء از این نوع جاهلیت به خدا پناه می‌برند مانند حضرت یوسف علیه السلام که اذعان می‌کنند حاضر هستند آزادی ظاهری جسم خود را در راه آزادی روح خویش قربانی کند (یوسف/ ۳۳). همچنین وقتی خداوند شیطان را از درگاه خود راند شیطان از خداوند مهلت گرفت تا به پاس عبادت‌هایی که کرده آزادانه بتواند انسان‌ها را نیز از قید و بند پرستش دور کند و تا روز قیامت آزاد بماند. شیطان اشاره می‌کند نباید خدا را محور فرض کرد و این خود او و تفکر او است که محور است کما اینکه در لیبرالیسم نیز باید انسان و تمایلات او محور فرض شود (اعراف/ ۱۴ - ۱۵).

۴-۴- جاهلیت در صفات خدا

قائل به جعل فرزند آوری و نسبت دادن دختر برای خدا و از عرب دسته‌ای گمان می‌کردند که فرشتگان دختران خدایند و به این جهت به عبادت آنها می‌پرداختند تا

ایشان را شفاعت کرده و یاری دهند (نحل / ۵۷)، و همین طایفه منکران پیامبران بودند و با تمسخر می گفتند: چگونه پیامبری است که طعام می خورد و در بازارها راه می رود؟ قرآن برایشان استدلال فرمود که پیامبران سابق نیز بر همین منوال بوده اند (فرقان / ۲۰)، و اکثر قبایل عرب از همین دسته بودند و آنها را نکوهش می کند که با وقاحت آنچه را برای خود ناپسند می دانستند به قصد تحقیر به خدا نسبت می دادند. در چشم اندازی کلی می توان فمینیسم را جنبشی اجتماعی دانست. فمینیسم یک هدف اعلام شده دارد و آن پایان دادن به چیزی است که آن را سلطه نظام مند مردان بر زنان می داند (منسبریج، مولر اوکلین و کیملیکا، ۱۳۸۷: ۱۵). به تدریج در این مکتب انحرافات ایجاد شد و خود مکتب زمینه را برای تقویت سلطه گری بر زنان را فراهم کرد. اگر دیروز زن کالای جنسی برای مردان بود امروز تنها کالای جنسی تجارت جهانی (تجارت سکس) و ابزاری برای تبلیغات شناخته می شود (حیدری، ۱۳۹۴: ۸۵). کالا انگاری مقام انسان را تا حد یک موجودیت پایین می آورد. در خصوص کالا انگاری زنان، زنان به موجودیت هایی تقلیل می یابند که عملکرد آنها ارضای نیاز جنسی مردان است (رایت و توکاناگا، ۱۳۹۴)

در تفکر جاهلی درباره زن افراط و تفریط های زیادی وجود دارد. عده ای در تعریف از تعادل خارج شده و می گفتند زن شیطان است. زن در میان اعراب مانند کالا خرید و فروش می شد و از حقوق فردی و اجتماعی محروم بود و او را جزء لوازم و اساس زندگی می شمردند (احمدی، ۱۳۸۸: ۶۶ - ۶۸). در اعمال مذهبی جاهلیت، زنان و مردان بدون پوشش طواف می کردند اما در قرآن نگاه ابزاری به زن و برهنگی مردود دانسته شده است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۱/۳۱۵). قرآن به زنان دستور می دهد ای زنان پیامبر از خانه هایتان بیرون نیاید و در انظار مردم مانند زمان جاهلیت و قبل از بعثت ظاهر نشوید (همان طور که برج قلعه برای همه آشکار و ظاهر است) (شاکر، ۱۳۸۴: ۱۵۱)، در خانه های خود قرار گیرید و ظاهر نکنید پیرایه های خود را مانند اظهار زنان در دوره جاهلیت اولی، که آن را جاهلیت جهلا گویند و آن از زمان ادیس بوده تا زمان نوح و اصح آن است که جاهلیت اولی در زمان ابراهیم علیه السلام بوده که زنان لباس های مروارید بافته می پوشیدند، خود را به مردان عرضه می کردند و

جاهلیت آخری میان عیسی صلی الله علیه و آله و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. در مبارزه با این رسوم پیامبر صلی الله علیه و آله تضعیف حقوق زنان را که از سنن دوره جاهلیت بود مردود و محکوم ساخت (فلسفی، ۱۳۷۹: ۳۶۹) و به تکریم منزلت و شأن زن اقدام کرد (سبحانی، ۱۳۸۵: ۵)، اسلام برای زنان حق انسانیت قائل شد.

۳۶

نتیجه‌گیری

در پژوهش‌های متعدد بر احتمال بازگشت به جاهلیت تأکید شده است. قطب، ۱۳۵۹؛ سلیمانی، ۱۳۸۲؛ سلیمانی، ۱۳۸۷؛ اسدی، ۱۳۸۹؛ حسینی، ۱۳۹۴؛ حیدری، ۱۳۹۴. چراکه جاهلیت فرهنگی است که احکام الهی در آن جاری نیست و قابل بازگشت است چه بسا جاهلیت مدرن با فریب انسان و قوی‌تر از جاهلیت‌های ابتدایی دوباره شکل گیرد. این نوشتار تلاش کرد به این پرسش پاسخ دهد که: «جاهلیت مدرن و جاهلیت مقارن دورهٔ نبی اکرم ﷺ در چه مصادیقی با یکدیگر اشتراک دارند؟»

دست‌آورد این مطالعه تأیید می‌کند فرض اولی پژوهش را مبنی بر اینکه در جاهلیت مدرن مصادیقی از جاهلیت مقارن دورهٔ نبی اکرم ﷺ یافت می‌شود و این دو جاهلیت به دلیل انحراف از دستورات اسلام از سرشت یکسانی برخوردار هستند.

نفی هم‌زمان توحید، قیامت و معاد که در جاهلیت مدرن، در قالب سکولاریسم و نفی نبوت، و پرستش بت‌ها و نفی صفات خدا در جاهلیت اولی که به صورت انواع مکاتب مدرنیته مادی‌گرایی ماتریالیسم، سکولاریسم، کاپیتالیسم، لیبرالیسم و فمینیسم در جاهلیت مدرن بروز می‌کند:

- ماتریالیسم یا مادی‌گرایی چه در جاهلیت، چه در جوامع مدرن سبب اشراف‌گری است و نفی توحید و معاد و نبوت سبب فردگرایی و خودخواهی بشر می‌شود. انکار جهان غیر ماده و زندگی در اکنون افراد را منفعت طلب می‌کند و به استثمار دیگران می‌کشاند. افراط و تفریط در ماده‌گرایی چه نفی کامل ماده و باور کامل ماده هر دو مطرود است و سرمایه‌داری صرف و فقر و پرهیز تفریط گونه هر دو غیرقابل‌پذیرش است و اسلام با هشدار دادن نسبت به وقوع حتمی قیامت و بازگشت بشر را از سرمایه‌داری صرف بر حذر می‌دارد.

ب. کاپیتالیسم یکی دیگر از جلوه‌های جاهلیت است که در جاهلیت دوران نبی اکرم ﷺ نیز وجود داشت افراط در انباشت سرمایه که به اشرافی‌گری از یک سو و برده‌داری، فقر و استثمار از سوی دیگر می‌رسد در هر دو جامعه وجود دارد. امتیازات

طبقاتی در جوامع جاهلیت نیز وجود داشت تقسیم جامعه به بخش‌های مختلف از نظر اقتصادی امری ریشه‌دار است اما از نظر اسلام گرمی‌ترین افراد نزد خداوند با تقواترین افراد است و ثروت نباید تنها در دست یک گروه خاص انباشت شود.

ج. لیبرالیسم آزادی‌خواهی مدرن در قالب لیبرالیسم و بی‌قید و بندی آزادی به معنای طرفداری از حاکمیت آزادی است که انسان حق داشته باشد هر آنچه را قانون مجاز دانسته انجام دهد، در جوامع جاهلی نیز آزادی به معنای آزادی در شهوت جمع‌آوری ثروت و هر آنچه نفس مجاز می‌دانست تلقی می‌شد؛ اما معنای آزادی از نظر قرآن، آزادی از قید شیطان و در دایرهٔ سعادت قرار گرفتن انسان است؛ و رهایی از قید و بندهای اخلاقی عین جهل است و بازگشت به جاهلیت محسوب می‌شود از سوی دیگر تحمیق مردم و استثمار و تسلط بر ذهن و روح ایشان و هر امری که به مسخ و از بین رفتن هشیاری انسان منجر شود مانند الکل و قمار نیز در اسلام مطرود دانسته می‌شود (بقره/ ۲۱).

د. در دوران جاهلیت در مقابل ارزشمندی الهی زن در دین اسلام، هدف فمینیسم پایان دادن به سلطهٔ نظام‌مند مردان بر زنان است، در دوران جاهلیت نیز از زن به‌عنوان یک ابزار بهره‌مندی استفاده می‌کردند اما اسلام در مقابله با این افراط و تفریط‌ها، جهل را از بشریت زدود و برای زنان حق انسانیت و تعالی تا قرار گرفتن در جوار رحمت الهی قائل شد.

نتیجه اینکه در پاسخ به پرسش مطالعه که مصادیق جامعهٔ جاهلی مقارن دورهٔ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چه اشتراکاتی با جامعهٔ جاهلیت مدرن دارد؟ می‌توان بیان کرد، چنانچه باری تعالی به مسلمانان هشدار می‌دهد؛ تصور نکنید همین که بگویید ایمان آوردم و مسلمان شدم برای رستگاری شما کافی است و امتحان نمی‌شوید. در دعای روز مبعث نیز آمده است که ما ندانستیم برترین توشهٔ سالک در مسیر رسیدن به تو، عزم بر اراده‌ای است که با آن تنها تو را انتخاب نماید اگر این اراده وجود نداشته باشد احتمال بازگشت به عادات جاهلی در هر دوره‌ای بسیار قوی خواهد بود. این انحراف در هر دوره‌ای به یک شکل بروز می‌کند گاه در پوشش تفریط و دوره‌ای در افراط اما هر دو گونه‌ای از جهل است.

کتاب‌نامه

۱. قرآن الکریم، مترجم، مکارم شیرازی، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۸۰.
۲. آذی کارمزدی، علی بررسی مقایسه‌ای دکترین پیامبر اسلام ﷺ و دکترین‌های غرب در بازاریابی عقیده و تبیین دکترین دعوت پیامبر، دانشگاه سمنان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی، ۱۳۹۳.
۳. آریلاستر، آنتونی لیبرالسم غرب ظهور و سقوط، مترجم، عباس مخبر، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۷.
۴. آقا بخش، علی و افشاری راد، مینو، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، چاپار، ۱۳۸۷.
۵. آلوسی، بلوغ الأرب فی معرفة احوال العرب، تحقیق، بهجة الأثری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۳۱۴.
۶. ایرکرامی، نیکولاس، درآمدی بر جامعه‌شناسی، ترجمه، هادی جلیلی، ۱۳۸۸.
۷. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، العبر و دیوان المبتدا و الخبر فی ایام العرب و العجم و البربر، ترجمه، عبدالمحمد آیتی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه)، ۱۳۶۳.
۸. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، رهاورد خرد / ترجمه تحف العقول، مترجم، پرویز اتابکی، تهران، نشر و پژوهش فرزانه روز، ۱۳۷۶.
۹. ابن عبری، گریگوریوس ابوالفرج ملاطی، تاریخ مختصرالدول، لبنان، چاپ انطون صالحانی یسوعی، ۱۴۰۳.
۱۰. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۶.
۱۱. ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول، مترجم، احمد جنتی، تهران، ۱۳۶۳.
۱۲. ابومنذر، هشام بن محمد کلبی، الاضنام، مترجم، سیدمحمد رضا جلالی نائینی، تهران، تابان، ۱۳۴۸.
۱۳. کتاب الاضنام (تنکیس الاضنام)، تحقیق، احمد زکی باشا، قاهره، چاپ دوم افست تهران (همراه با ترجمه)، نشر نو، ۱۳۶۴.
۱۴. احمدی، بابک، مدرنیته و اندیشه انتقادی، چاپ اول، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۱.
۱۵. معمای مدرنیته، چاپ اول، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۷.
۱۶. احمدی، محمد مهدی، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، چاپ اول، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۸.
۱۷. اسدی، علی، جاهلیت یک سرشت نه دوره‌ای گذرا، مطالعات اسلامی، علوم قرآن و حدیث، سال ۴۲، شماره ۳، ۸۴، بهار و تابستان ۱۳۸۹، ۳۰ - ۹.
۱۸. افرام بستانی، فؤاد، فرهنگ منجد الطلاب عربی - فارسی، مترجم، محمد بندر ریگی، چاپ اول، تهران، انتشارات اسلامی - تهران، ۱۳۸۳.
۱۹. آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و درر الکلم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.
۲۰. امین، محسن، دایرة المعارف شیعه، تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۴۵.
۲۱. ایزوتسو، توشیهیکو، مفاهیم دینی - اخلاقی در قرآن مجید، مترجم، فریدون بدره‌ای، تهران، نشر و پژوهش فرزانه، ۱۳۷۸.
۲۲. باومن، زیگمونت، اشارت‌های پست مدرنیته، مترجم، حسن چاوشیان، تهران، نشر ققنوس، ۱۳۸۳.
۲۳. بحات، سید فرحان، بررسی تطبیقی تفاسیر معاصر شیعه و سنی در مورد جاهلیت مدرن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم قرآن و حدیث، دانشکده اصول الدین شعبه دزفول، گروه علوم قرآن و حدیث، ۱۳۹۴.
۲۴. بلاشر، رژی، تاریخ ادبیات عرب، مترجم، آذرتاش آذرنوش، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳.

۲۵. بیات، عبدالرسول و دیگران، فرهنگ واژه‌ها، چاپ دوم، قم، مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی، ۱۳۸۱.
۲۶. پدram، مسعود، روشنفکران دینی و مدرنیته، تهران، گام نو، ۱۳۸۲.
۲۷. پستمن، نیل، تسلیم فرهنگ به تکنولوژی، ترجمه، صادق طباطبایی، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۵.
۲۸. جرجی زیدان، تاریخ تمدن اسلام، مترجم، علی جواهر الکلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۲۳.
۲۹. جواد، علی، تاریخ مفصل عرب قبل از اسلام، مترجم، محمدحسین روحانی، بابل، نشر کتابسرای بابل، ۱۳۶۷.
۳۰. حسین اصفهانی، عماد الدین، تاریخ مفصل اسلام از طلوع اسلام تا عصر حاضر، تهران، کتاب فروشی اسلام، ۱۳۷۷.
۳۱. حسینی، سیدعلی، مؤلفه‌های جاهلیت مدرن و راهکارهای مبارزه با آن در قرآن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مجتمع آموزش عالی امام خمینی، ۱۳۹۴.
۳۲. حیدری، حلیمه، «تبرج و مصادیق آن با تأکیدی بر تفاسیر فقهی»، دو فصلنامه علمی - تخصصی مطالعات پژوهشی زنان، سال دوم، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۴.
۳۳. خالدی، صلاح عبد الفتاح، کلیدهایی برای تعامل با قرآن، مترجم، دوروزی، تهران، نشر احسان، ۱۳۹۰.
۳۴. خسروپناه عبدالحسین، کلام جدید، قم، مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه‌های علمیه، ۱۳۷۹.
۳۵. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، ماده جهل، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه، چاپ اول از دوره جدید، ۱۳۷۳.
۳۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، مترجم، غلامرضا خسروی، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۴.
۳۷. رایت، پاول جی. و توکوناگا، رابرت اس، «کالانگری مصرف رسانه‌ها توسط مردان، کالا انگاری زنان، و رفتارهایی که از خشونت علیه زنان حمایت می‌کنند»، فصلنامه علمی تخصصی دانش انتظامی بوشهر، ۱۳۹۴، دوره ۶، شماره ۲۳، ص ۹۵ - ۱۱۴.
۳۸. ربانی گلپایگانی، علی، تحلیل و نقد پلورالیسم دینی، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۹.
۳۹. زر شناس، شهریار، مبانی نظری غرب مدرن، تهران، کتاب صبح، ۱۳۸۱.
۴۰. زرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۳۸۲.
۴۱. —، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بیروت، چاپ احمد شمس الدین، ۱۴۰۹.
۴۲. سالم، السید عبدالعزیز، تاریخ الدوله العربیه، بیروت، مؤسسه الثقافه الجامعیه، ۱۹۷۰.
۴۳. سبحانی تبریزی، جعفر، فروغ ابدیت: تجزیه و تحلیل کاملی از زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، چاپ بیست و دوم، قم، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۵.
۴۴. سجاسی، اسحاق بن ابراهیم، فرائد السلوک، چاپ اول، تهران، پاژنگ، ۱۳۶۸.
۴۵. سربخشی، محمد، اخلاق سکولار (مفاهیم، مبانی، ادله، نقدها)، قم، مؤسسه آموزشی امام خمینی، ۱۳۸۸.
۴۶. سلیم بن قیس هلالی، تاریخ سیاسی صدر اسلام، ترجمه کتاب سلیم، مترجم، محمود رضا افتخارزاده، چاپ اول، تهران، انتشارات رسالت قلم، ۱۳۷۷.

۴۷. سلیمانی، جواد، امام حسین علیه السلام و جاهلیت نو، قم، معارف، ۱۳۸۲.
۴۸. سلیمانی، جواد، «چگونگی و چرایی بازگشت به جامعه جاهلیت در جامعه پس از پیامبر صلی الله علیه و آله»، حکومت اسلامی، ۱۳۸۷، سال سیزدهم، شماره چهارم: ۱۸۵ - ۲۱۸.
۴۹. سیدرضی، تفسیر و شرح نهج البلاغه، مترجم، محمددشتی، تهران، فهرست، ۱۳۸۵.
۵۰. سیدرضی، نهج البلاغه، ترجمه و شرح، انصاریان، قم، دارالعرفان، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۵۱. شاکر، کمال مصطفی، المیزان فی تفسیر القرآن، تلخیص مختصر تفسیر المیزان، تهران، اسلام، ۱۳۸۴.
۵۲. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، الطبعة الاولى، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۲۰۰۲.
۵۳. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳.
۵۴. عادل، ظاهر، الأسس الفلسفیه للعلمانیة، بیروت، دارالساقی، ۱۹۹۳.
۵۵. عاملی، امین ترمس، اصول کافی، مترجم، سیدعلی مرتضوی، چاپ پنجم، تهران، سرور، ۱۳۹۶.
۵۶. علی، جواد، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، چاپ دوم، دارالعلم للملایین، جامعه بغداد، ۱۹۹۳.
۵۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، ترتیب کتاب العین، تحقیق، مهدی المخزومی و ابراهیم السامری، چاپ اول، قم، سازمان اوقاف و امور خیریه، انتشارات اسوه، ۱۴۱۴.
۵۸. فلسفی، محمد تقی، الحدیث - روایات تربیتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹.
۵۹. قادری، حاتم، اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۰.
۶۰. قرشی، سیدعلی اکبر، قاموس القرآن، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۵۴.
۶۱. قطب، محمد، جاهلیت قرن بیستم، مترجم، محمدعلی عابدی، تهران، انقلاب، ۱۳۵۹.
۶۲. قنبری، آیت، نقدی بر اومانیسیم و لیبرالسیسم، قم، فراز اندیشه، ۱۳۸۳.
۶۳. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، مترجم، مصطفوی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۹.
۶۴. —، کافی، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷.
۶۵. کوفی اهوازی، حسین بن سعید، زاهد کیست؟ وظیفه اش چیست؟، ترجمه و تحقیق، الزهد، چاپ اول، قم، نورالسجاد، ۱۳۸۷.
۶۶. کالینیکوس، آکس، درآمدی تاریخی بر نظریه‌ی اجتماعی، مترجم، اکبر معصوم بیگی، چاپ اول، تهران، نشر آگه، ۱۳۸۳.
۶۷. کاهون، لارنس، مدرنیسم، آنتی مدرنیسم و پست مدرنیسم، مترجم، حیدر شادی، تهران، سروش اندیشه، ۱۳۸۳.
۶۸. کسرابی، محمد سالار، چالش سنت و مدرنیته در ایران از مشروطه تا ۱۳۲۰، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۹.
۶۹. کھون، لارنس، از مدرنیسم تا پست مدرنیسم، مترجم، عبدالکریم رشیدیان، تهران، نشر نی، ۱۳۸۱.
۷۰. گمپرتس، تودور، متفکران یونانی، ترجمه، محمد حسن لطیفی، ج ۱، تهران خوارزمی کمپرس، ۱۳۷۳.
۷۱. گیدنز، آنتونی، جامعه شناسی، ترجمه، منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، ۱۳۳۱.
۷۲. محمدی سرخ بوزی، سمیه، اومانیسیم و اسلام، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده الهیات، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته فلسفه و کلام اسلامی، ۱۳۹۰.
۷۳. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار شهید مطهری، چاپ هشتم، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۷.

۷۴. معلوف، لویس، المنجد فی اللغة، بیروت، دارالمشرق، ۱۳۷۳.
۷۵. معینی، جهانگیر، «مدخلی بر مدرنیته و مدرنیسم»، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۷۹، ۱۳۷۹.
۷۶. مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۵.
۷۷. منتسکیو، روح القوانین، مترجم، علی اکبر مهدی، چاپ ششم، تهران، مؤسسه انتشاراتی امیر کبیر، ۱۳۶۲.
۷۸. منسیریح، جین؛ مولر اوکین، سوزان و کیمیلیکا، ویل، دو جستار درباره فلسفه سیاسی فمینیسم، ترجمه، نیلوفر مهدیان، تهران، نشر نی، ۱۳۸۷.
۷۹. نوبران، محمود، اسلام و اومانیسیم، رواق اندیشه، شماره ۱۵، فروردین ۱۳۸۲.
۸۰. نوذری، حسینعلی، مدرنیته و مدرنیسم، چاپ سوم، تهران، نشر نقش جهان، ۱۳۷۲.
۸۱. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب ابن واضح، تاریخ یعقوبی، ترجمه، محمد ابراهیم آیتی، چاپ ششم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱.